





دانشگاه پیام نور

مرکز قم

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی

گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان پایان نامه:

بررسی و روش شناسی تربیت اجتماعی و سیاسی نوجوانان از منظر فقه

امامیه

استاد راهنما:

دکتر رضا علی کرمی

استاد مشاور:

دکتر حسین اسماعیلی

نگارنده:

محمد علی قاضی اسدی

بهمن ۱۳۹۹



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

استان قم



دانشگاه پیام نور
بسترتعالی

تاریخ: ۹۶/۱۲/۱۷
شماره: ۲۵۱۱/۱۱/۲۶
پیوست:

صورتجلسه دفاع از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

آقای / خانم : محمد علی قاضی اسدی

دانشجوی رشته : الهیات / فقه و مبانی حقوق

به شماره دانشجویی ۹۷۰۰۱۰۸۴۷

بررسی و روش شناسی تربیت اجتماعی و سیاسی نوجوانان از منظر فقه امامیه
جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد نامبرده با حضور هیأت داوران در مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۶ ساعت ۱۰ در
محل مرکز قم برگزار و پس از ارزیابی پایان نامه مذکور به شرح زیر ارزیابی گردید.

نمره دفاع بر مبنای ۱۸	نمره دستاورد پژوهشی*	نمره نهایی
۱۷/۵	—	۱۷/۵
هفده و نیم	—	هفده و نیم
درجه ارزشیابی		

هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبیه دانشگاهی	محل خدمت	کد استادی	امضا
استاد راهنما	دکتر رضا علی کرمی	اتحادیه	دانشگاه پیام نور	۴۰۶۶۵	
استاد مشاور	دکتر حسین اسماعیلی	استادیار	دانشگاه پیام نور قم	۴۵۱۲۷۷	
استاد داور	دکتر محمد رضا ضمیری	دانشیار	دانشگاه پیام نور	۳۸۹۳۵۵	
نماینده تحصیلات تکمیلی	علی عروجی	کارشناس	دانشگاه پیام نور		

قم، میدان جهاد، میدان امام زاده
سید علی، خیابان ۶۰ متری
شهدای پست.

تلفن: ۰۲۵-۳۷۱۷۹۱۰۰
نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۸۰۱۳۸
کد پستی: ۳۷۱۸۵-۳۱۱

نمره نامبرده بر اساس بخشنامه ها و دستورالعمل های مربوط به دستاوردهای پژوهشی مستخرج از تاریخ ... نهایی شده است.

نام و امضای کارشناس پژوهشی مرکز

* نمره دستاورد پژوهشی برابر دستورالعمل مربوط در مهلت مقرر پس از دفاع تعیین شده و توسط کارشناس پژوهشی محاسبه و نمره نهایی اعلام می گردد.

تعهد نامه اصالت رساله/پایان نامه

اینجانب محمد علی قاضی اسدی دانش آموخته مقطع دکتری / کارشناسی ارشد ناپیوسته تخصصی در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۶ از رساله/پایان نامه خود تحت عنوان بررسی و روش شناسی تربیت اجتماعی و سیاسی نوجوانان از منظر فقه امامیه با کسب نمره ۱۷.۵ دفاع نموده ام، بدینوسیله متعهد می شوم.

۱) این رساله/ پایان نامه حاصل تحقیق و پژوه انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوط ذکر و درج کرده ام.

۲) این رساله/پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ مقاله، کتاب، ثبت اختراع و از این پایان نامه/رساله را داشته باشم، با ذکر نام استادان راهنما و مشاور و درج نام دانشگاه پیام نور اقدام خواهم کرد.

۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب حقوقی ناشی از آن را می پذیرم و همچنین دانشگاه پیام نور مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار کند و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی

تاریخ و امضاء

تقدیم به:

خانواده عزیزم که برای بهتر شدن زندگیم بسیار تلاش کرده‌اند.

سپاسگزاری:

نخستین آموزگارام

و

همه استادان همراه، به ویژه استادان عزیز و گرامی ام

جناب آقای دکتر رضاعلی کرمی استاد محترم راهنما

جناب آقای دکتر حسین اسماعیلی استاد محترم مشاور

به پاس راهنمایی، همکاری و همراهی شان

و

چکیده

دوران نوجوانی دوران تشکیل شخصیت هر فرد است. در این دوران ابعاد زیستی و جسمانی نوجوان رشد، و شخصیت او شکل می‌گیرد. بنابراین باید دانست آیا تربیت دینی بر مکلفان واجب است یا جزء فضایل اخلاقی محسوب می‌گردد؟ در این راستا تربیت عبادی نوجوانان بر والدین واجب بوده زیرا این تکلیف در مورد عبادات واجب است و آموزش و تثبیت عبادات مستحب در شخصیت نوجوان بر والدین استحباب دارد. از آنجا که سن تربیت با بلوغ پایان نمی‌پذیرد، همه افراد به نوعی متربی محسوب می‌شوند و در این بین نوجوانان سرآمد تمام متربیان‌اند، به این علت که، امید تغییر در آنها بالاست و تاثیر گذاری در آنها بیشتر می‌باشد. مستند حکم تکلیفی بودن تربیت در حق مربیان، آیه «وقایه» و روایات مختلف و عدیده‌ای است که نشان از واجب بودن تربیت نوجوان دارد. در نظام قواعد فقهی، در خصوص تربیت قاعده‌های احسان و عدالت، ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر از قواعد مهم و پایه‌ی است که در کنار سایر قواعد از جمله قاعده حفظ عزت اسلامی، رواج سنت‌های نیکو، احسان و عدالت از موازین و شاخص‌های مهم فرهنگ و تربیت اجتماعی اسلام قرار دارد. تربیت اجتماعی، نقش بسیار مهمی در تربیت نوجوانان به عنوان عامل رشد و تحول یک جامعه ایفا می‌کند، زیرا بخشی از افعال اختیاری مکلفان در فقه در این حوزه قرار گرفته است. در واقع فقه‌بلایدها و نبایدهای شرعی را بیان می‌کند. و با توجه به این نکته است که در فقه تربیتی با تکیه بر روش اجتهادی متعارف فقها، تلاش می‌شود تا احکام رفتارهای تربیتی مکلفان که در این مقام به عنوان مربی و متربی از آنان نام برده می‌شود تعیین شود. پژوهش حاضر با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی، و بررسی منابع کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیده است که بررسی حکم فقهی تربیت اجتماعی در حوزه مباحث فقهی اجتماعی قرار دارد که اهمیت توجه به این مسئله را بیان می‌نماید و این مسئله سبب لزوم تعیین اصل و حدود وظایف سیاسی و اجتماعی نوجوانان می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: تربیت، تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی، نوجوان، فقه امامیه

فهرست مطالب

فصل اول:	۱
کلیات تحقیق	۱
مقدمه	۲
بیان مسئله	۲
سوالات تحقیق	۳
فرضیه‌های تحقیق	۴
روش تحقیق	۴
۱-۱-۵- تأدیب	۵
۱-۱-۶- مفهوم شناسی تربیت	۶
۱-۱-۶-۱- معنای لغوی تربیت	۶
۱-۱-۶-۲- معنای اصطلاحی تربیت	۷
۱-۱-۶-۳- معنای تربیت در اصطلاح فقه و حقوق	۸
۱-۱-۷- ادله والدین در مهرورزی و تربیت عاطفی فقهی	۹
۱-۱-۷-۱- آیه وقایه	۹
۱-۱-۷-۲- روایات تادیب	۱۰
۱-۱-۸- مفاهیم فقه و قواعد فقهی و قواعد اصولی	۱۱
۱-۱-۸-۱- تعریف لغوی فقه	۱۱
۱-۱-۸-۲- تعریف اصطلاحی فقه	۱۱
۱-۱-۸-۳- فقه در اصطلاحی فقهی و اصولی	۱۱
۱-۱-۸-۴- تعریف فقه در قرآن و روایات	۱۱
۱-۱-۸-۵- مفهوم و معنای حکم	۱۲
۱-۱-۸-۵-۱- اقسام حکم	۱۲
۱-۱-۸-۵-۱-۱- حکم تکلیفی	۱۳
۱-۱-۸-۵-۱-۲- حکم وضعی	۱۳

- ۱-۱-۸-۵-۲- تعلق برخی از احکام وضعی به کودک ۱۳
- ۱-۱-۸-۵-۳- عدم تعلق احکام تکلیفی الزامی به کودک ۱۵
- ۱-۱-۸-۵-۴- ادله عدم تعلق احکام تکلیفی الزامی به کودک ۱۵
- اختلاف برداشت از مفاد حدیث رفع ۱۶
- ۱-۱-۹- مفهوم تصابی ۱۷
- ۱-۱-۹-۱- معنای لغوی تصابی ۱۷
- ۱-۱-۹-۲- مفهوم اصطلاحی تصابی ۱۷
- ۱-۱-۹-۳- اثبات روش تصابی ۱۸
- ۱-۲- مبانی فقهی ابراز محبت به فرزند ۱۸
- ۱-۳- حدود مهرورزی از نظر فقهی و تاثیر آن در تربیت کودک ۲۰
- ۱-۴- استحباب مساوات و عدالت بین کودکان (فرزندان) ۲۲
- ۱-۴-۱- ادله استحباب مساوات بین فرزندان ۲۲
- ۱-۵- جهت دهی به تربیت عاطفی ۲۳
- ۱-۵-۱- ادله ایجاد و تثبیت محبت خدا و اولیای الهی در دل فرزند ۲۳
- ۱-۶- روش‌های مهرورزی و تربیت عاطفی در روایات ۲۴
- ۱-۶-۱- ادله ترحم بر فرزند ۲۴
- فصل دوم: ۲۶
- اصول و روش‌های تربیتی فقه ۲۶
- ۱-۲- روش‌های تربیتی از منظر فقه ۲۷
- ۱-۱-۲- اصل تربیتی ۲۷
- ۲-۱-۲- وجه تمایز بین اصل و روش تربیتی ۲۷
- ۲-۲- عدالت ورزی بین فرزندان ۲۸
- ۱-۲-۲- مفهوم شناسی عدالت ۲۸
- ۲-۲-۲- ادله عامه عدالت ورزی میان فرزندان ۲۸
- ۲-۲-۳- ادله خاصه عدالت ورزی میان فرزندان ۳۰

- ۳۱-۲-۳- بازی در تربیت ۳۱
- ۳۱-۲-۳-۱- مفهوم لغوی بازی ۳۱
- ۳۲-۲-۳- بازی در اصطلاح قرآنی (آیات لهو و لعب) ۳۲
- ۳۲-۲-۳- بازی در اصطلاح روایی ۳۲
- ۳۳-۲-۳-۴- آیات حرمت بازی در معنای لهو و لعب ۳۳
- ۳۳-۲-۳-۵- آیات کراهت بازی در معنای لهو و لعب ۳۳
- ۳۴-۲-۳-۶- آیه بازی ۳۴
- ۳۴-۲-۳-۷- ادله روایی در مورد بازی به عنوان یک ورزش تربیتی ۳۴
- ۳۵-۲-۳-۸- حکم بازی به عنوان روش تربیتی ۳۵
- ۳۶-۲-۳-۹- بازی در سیره معصومان (ع) ۳۶
- ۳۸-۲-۴- وفای به وعده نسبت به کودکان ۳۸
- ۳۸-۲-۴-۱- مفهوم شناسی کلمه وعده ۳۸
- ۳۸-۲-۴-۲- بررسی ادله وجوب وفای به وعده ۳۸
- ۳۹-۲-۴- وفای به وعده نسبت به کودکان ۳۹
- ۳۹-۲-۴-۱- مفهوم شناسی کلمه وعده ۳۹
- ۳۹-۲-۴-۲- بررسی ادله وجوب وفای به وعده ۳۹
- ۴۰-۲-۴-۳- آثار تربیتی وفای به عهد ۴۰
- ۴۰-۲-۵- الزام و اجبار در تربیت ۴۰
- ۴۱-۲-۵-۱- معنای لغوی الزام ۴۱
- ۴۱-۲-۵-۲- معنای اصطلاحی الزام ۴۱
- ۴۱-۲-۵-۳- معنای لغوی اجبار ۴۱
- ۴۱-۲-۵-۴- معنای اصطلاحی اجبار ۴۱
- ۴۱-۲-۵-۵- انواع الزام و اجبار ۴۱
- ۴۲-۲-۵-۶- بررسی ادله الزام و اجبار در تربیت ۴۲
- ۴۲-۲-۵-۶-۱- ادله جواز استفاده از الزام و اجبار در تربیت ۴۲

- ۶-۲- ویژگی‌های شخصیتی مربی و متربی از منظر فقه ۴۴
- ۶-۲-۱- ویژگی اول اخلاص ۴۴
- ۶-۲-۲- دومین ویژگی تواضع ۴۵
- ۶-۲-۳- سومین ویژگی صبر و حلم ۴۶
- فصل سوم: ۴۷
- حقوق تربیتی نوجوان ۴۷
- ۳-۱- تربیت اجتماعی نوجوانان ۴۸
- ۳-۱-۱- آداب معاشرت با مردم ۴۸
- ۳-۱-۲- سلام کردن به دیگران ۴۸
- ۳-۲- ولایت بر نوجوان ۴۹
- ۳-۲-۱- ولایت پدر بر نوجوان ۵۰
- ۳-۲-۲- ولایت جد پدری در فقه امامیه ۵۱
- ۳-۲-۳- تعارض ولایت پدر و جد پدری ۵۲
- ۳-۲-۴- تعدد جد پدری ۵۳
- ۳-۲-۵- موارد سقوط ولایت ۵۳
- ۳-۳- تفاوت حضانت و تربیت ۵۳
- ۳-۳-۱- تفاوت حضانت و تربیت از جهت موضوع ۵۴
- ۳-۳-۲- تفاوت حضانت و تربیت از جهت شروع تکلیف ۵۴
- ۳-۳-۳- تفاوت حضانت و تربیت از جهت ضمانت اجرا ۵۵
- ۳-۴- تربیت نوجوان ۵۵
- ۳-۴-۱- حقوق تربیتی ۶۱
- ۳-۴-۲- حقوق تربیتی نوجوانان در ایران ۷۴
- ۳-۵- رشد بیداری و حساسیت سیاسی در نوجوانان ۷۵
- ۳-۶- آشنا کردن نوجوانان با قوانین و حدود سیاسی ۷۶
- ۳-۷- آشنایی با گروه‌ها و تشکلات سیاسی ۷۷

فصل چهارم:	۷۹
تربیت فقهی نوجوان	۷۹
۴-۱- آموزش قرآن کریم به نوجوان	۸۰
۴-۲- ارتباط آموزش حدیث با تربیت نوجوان	۸۱
۴-۳- نظر قرآن کریم در مورد اهمیت تعلیم و تربیت نوجوانان	۸۲
۴-۴- هدف از تربیت قرآنی	۸۲
نتیجه گیری	۸۳
پیشنهادهات	۸۴

فصل اوّل:

کلیات تحقیق

فقه اسلامی، رفتارهای آموزش و تربیتی را مانند همه رفتارهای اختیاری مکلفان، حکمی شرعی می‌داند. در واقع «فقه تربیتی» با هدف تعیین احکام شرعی رفتارهای اختیاری مکلفان در عرصه تعلیم و تربیت، در تلاش است تا با استفاده از روش‌شناسی اجتهادی و استنباطی، به این هدف دست یابد و علاوه بر گردآوری گزاره‌های مرتبط به حوزه تربیت در فقه موجود، با نگاهی تخصصی، مسائل و پرسش‌های نوین تربیتی را از نظر شرعی بررسی کند. در این راستا تربیت، تغییرات تدریجی خود را از مبدأ آغاز می‌کند و به سوی مقصد رهسپار است و مقدار و مسافت این حرکت و مکانیسم آن در پرتو شناخت قوانین حاکم بر این حرکت و کاربست آن در ایجاد تغییرات مطلوب در متربی، نتیجه مدنظر همه تربیت‌پژوهان و مربیان است. علوم تربیتی و دانش تربیت و نیز پژوهش‌گران تعلیم و تربیت درصددند تا با شناخت و توصیف موقعیت‌ها و شرایط تربیتی در فقه اسلامی، دستورالعمل و روش‌های تربیتی را به معلمان و مربیان توصیه نمایند و در واقع بر پایه توصیفات تربیتی فقه به نظامی از تجویزات تربیتی دست یابند تا راهنمای عمل تربیت باشد و در عین حال از ویژگی واقع‌نگری، جامعیت، انعطاف در عرصه عمل تربیت و ... نیز برخوردار باشد.

بیان مسئله

خانواده اولین کانون تربیت کودک و والدین اولین معماران شخصیت او هستند. چگونگی شکل‌گیری ارکان و پایه‌های شخصیت هر انسان به نحوه‌ی تربیت او در این دوران نوجوانی بستگی دارد. در این دوره به سبب حضور والدین و اطرافیان رفتار کودک رشد و تکامل یافته است انسان بیشتر عادات زندگی خود را در این دوران کسب کرده است و تقریباً در این دوران کیفیت سازگاری با محیط بیرون را فرا خواهد گرفت (عطاران، ۱۳۷۱: ۲۳). تربیت، مصدر باب تفعیل است که ریشه آن «ربب» یا «ربو» می‌باشد. در تفاوت این دو ریشه گفته‌اند: ربّ (ربب) الصغیر، یعنی سوق دادن کودک به سوی کمال و ربا (ربو) الصغیر یعنی کودک بزرگ شد و رشد کرد (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۴/۳۵). بنابراین تربیت اگر از ریشه «ربو» باشد، به معنای پروردن جسمانی و اگر از ریشه «ربب» باشد به معنای پروردن معنوی است. به نظر می‌آید علی‌رغم اینکه ممکن است مصدر تربیت به هر دو ریشه برگردد، ولی بیشتر به معنای پروردن معنوی و از ریشه «ربب» است؛ چنان‌که لغویون به این معنا مایل گشته‌اند (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱/۴۰۱).

مرحله نوجوانی فرصتی بزرگ و طلایی است و از بهترین نعمت‌های خداوندی است که با استفاده از آن می‌توان سعادت و موفقیت خود را تأمین کرد. این دوران، دیگر برگشتی ندارد و قدرت، قوت، زیبایی، عشق و امید آن مورد آرزو و حسرت همه پیران است و قدرت آن هنگامی معلوم می‌شود که از دست می‌رود (ر.ک: قائمی، ۱۳۷۸: ۱۵). چنان‌که امام علی(ع) نیز فرموده‌اند: «دو چیز است که قدر و

قیمت آنها را نمی‌شناسد، مگر کسی که آن دو را از دست داده باشد؛ یکی جوانی و دیگری تندرستی و عافیت است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۲۴). همچنین، در همین راستا، رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «در قیامت هیچ بنده‌ای قدم از قدم بر نمی‌دارد، مگر اینکه از او سؤال می‌شود که عمرش را در چه کاری صرف نموده است و جوانیش را در چه راهی تمام کرده است» (ابن بابویه قمی، ۱۳۶۲: ۲۵۳)

صفحه اندیشه نوجوان مانند یک لوح سفید، از نقش‌های خوب و بد اجتماعی خالی است و رنگی به خود نگرفته است. نوجوانی که تازه از محیط محدود کودکی خارج شده است و می‌خواهد در محیط وسیع اجتماع قدم بگذارد، باید مراقب باشد که عناصر فاسد اجتماع در روان وی نفوذ نکنند و صفحه پاک خاطر خود را به رنگ ناپاکی نیالایند؛ چنان که که امام علی نیز فرموده‌اند: «دل نوجوان مانند زمین آماده‌ای است که از هر سبزه و گیاه خالی است. هر بذری که در آن افشاندن شود، به خود می‌پذیرد و در آغوش خود به خوبی می‌پروراند. (حرانی، ۱۴۰۴: ۶۸)

حدود دخالت فقه در عرصه‌های مختلف زندگی مسئله‌ای چالش برانگیز بوده و نظریات مختلفی در این باره بیان شده است. طیفی از روشنفکران مسلمان که نگاه سکولاریستی بر آنها حاکم است بر این نظر پافشاری می‌کنند که فقه کارکرد حداقلی دارد و توان ایفای نقش در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی را ندارد. در طیف مقابل فیلسوفان، مسلمان و افرادی که به عرصه فقه ورود پیدا کرده‌اند قائل به عملکرد حداکثری فقه‌اند و برای فقه کارکردهای این جهانی (اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) علاوه بر کارکرد آن جهانی (فردی، معنوی) تصویر می‌کنند.

سوالات تحقیق

الف- سوال اصلی

۱- آثار تربیت اجتماعی و سیاسی نوجوانان از منظر فقه امامیه چیست؟

ب- سوالات فرعی

۱- دلایل فقه امامیه بر تربیت اجتماعی و سیاسی نوجوانان چیست؟

۲- تشابهات و تعارضات تربیت سیاسی و اجتماعی از منظر فقه امامیه و روشهای تربیتی غرب شامل چه مواردی می‌شود؟

۳- از منظر فقه امامیه تربیت سیاسی و تربیت اجتماعی در دوران نوجوانی به روشی باید صورت گیرد؟

اهداف تحقیق

الف- هدف اصلی

۱- بررسی و روش شناسی تربیت اجتماعی و سیاسی نوجوانان از منظر فقه امامیه

ب- اهداف فرعی

۱- براساس قوانین ایران و فقه اسلامی، روش رشد، پرورش و اجتماعی کردن نوجوانان تربیت سیاسی و اجتماعی مطابق نظر فقه اسلامی است.

۲- تادیب نوجوانان به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود، از جمله: پند و اندرز، محروم کردن آنان از علاقه‌هایشان و یا تنبیه در حد متعارف نوجوان

ج- اهداف کاربردی

نتایج این پژوهش می‌تواند مورد استفاده دانشجویان و اساتید رشته حقوق، دستگاه قضایی و ... استفاده قرار بگیرد.

فرضیه‌های تحقیق

الف- فرضیه اصلی

۱- تربیت صحیح اجتماعی و سیاسی هر یک به اندازه خود در تربیت نوجوان موثر خواهند بود

ب- فرضیه های فرعی

۱- تربیت اجتماعی نسبت به تربیت سیاسی در خصوص تربیت نوجوانان تاثیر بیشتری دارد

۲- آثار و احکام تربیت سیاسی - اجتماعی در جامعه اسلامی امروز بر تعارضات آن با روشهای تربیتی غرب تاثیر دارد

۳- از منظر فقه امامیه بین روش تربیت سیاسی و تربیت اجتماعی نوجوان تفاوت وجود دارد

روش تحقیق

روش این تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی می‌باشد. به این صورت که اطلاعات مورد نیاز برای بررسی تحلیل موضوع از منابع اطلاعاتی مختلف در راستای موضوع استخراج کرده و سپس براساس طبقه بندی موجود برای فرضیه‌ها تقسیم بندی می‌کنیم و در گام بعد مورد توصیف و تحلیل قرار خواهیم داد.

۱-۱-۵- تأدیپ

تأدیپ، مصدر فعل ادب است که در لغت به معانی اخلاق نیکو، علم و دانش، معاقبه و مجازات نمودن (طریحی، ۱۳۷۵: ۵)، ظرافت و حسن استفاده (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۲۰۶)، تمرین نفس به یادگیری، استعمال امر پسندیده و مورد ستایش، سرزنش، وعده دادن، ضرب و زدن (سجادی، ۱۳۷۳: ۱۷) و مانند آن آمده است.

اما در اصطلاح فقها و روایات، تأدیپ در دو معنای ذیل به کار برده شده است:

الف - در بیشتر روایات و فتاوی فقها تأدیپ به معنی تعزیر به کار رفته و حتی یکی از معانی لغوی تعزیر نیز تأدیپ می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۵۶۲)

ب - در برخی موارد خاص، تأدیپ به معنای تعزیر نیست، بلکه ضربی است که با تعزیر از جهات مختلف متفاوت است.

البته بسیاری فقها به تفکیک تعزیر و تأدیپ در موارد خاص و از جمله در مورد کودک تصریح ندارند و علت این امر این است که هیچ گاه در فقه به طور مستقل و مجزا به بحث ضرب کودک، شرایط، حدود و قصور آن پرداخته نشده است ولی به نظر می‌رسد که فقها به حقیقت این دو عنوان در بسیاری از موارد التفات داشته‌اند. در فقه الرضا (علیه السلام) این گونه آمده است: «تعزیر ما بین یازده و هشتاد و نه ضرب است و تأدیپ ما بین سه تا ده ضرب است» (قمی، ۱۴۰۶: ۳۱۰). شیخ طوسی می‌نویسد: «وقتی که زن ناشزه می‌شود، مرد می‌تواند او را به عنوان تأدیپ بزند و نه به عنوان تعزیر» (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۹). محقق حلی در موردی که انسان سوگند یاد می‌کند که عبدش را بزند این مسأله را مطرح می‌کند که آیا واجب است انسان سوگندش را انجام دهد یا نه؟ سپس در این مسأله حکم به وجوب نموده: «این که ما می‌گوییم که انسان باید قسمش را انجام دهد در صورتی است که قسم بر اقامه‌ی حد یا تعزیر واجب یاد کند. اما در مورد تأدیپ که به مصالح دنیوی بر می‌گردد شایسته تر این است که عفو کند و در این صورت کفاره‌ای به گردن او نیست» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۳۹). از این عبارات محقق حلی روشن می‌شود هر چند که نسبت به تأدیپ فصل جداگانه‌ای در فقه ما وجود ندارد، اما تفاوت تأدیپ و تعزیر برای فقها بسیار روشن و بدیهی بوده چرا که فقهایی مانند عمیدی (عمیدی، ۱۴۱۶: ۲۰۷)، صیمری (راشد صیمری، ۱۴۲۰: ۴۸۸)، شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۷۳) و صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۲۶) در ذیل کلام مرحوم محقق به تفکیکی که ایشان بین تأدیپ و تعزیر کرده اشاره نموده و آن را پذیرفته‌اند. شهید ثانی درباره‌ی حکم ضرب یتیم می‌گوید: «ضرب یتیم در صورتی که نسبت به آن قصد تعزیر شود، واجب است و هنگامی که به آن قصد تأدیپ شود، مستحب است». (شهید ثانی، ۱۴۲۵: ۱۶۵)

علاوه بر شواهد بسیاری که در کلام فقها درباره تفکیک بین تعزیر و تأدیب وجود دارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۱؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۶۳۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۷۲؛ گلیپایگانی، ۱۴۱۰: ۹۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵: ۴۲۵-۴۲۴)

در روایاتی که مربوط به تنبیه کودک است نیز به این تفکیک اشاره شده است. توضیح این که در مورد تعزیر کودک نیز روایاتی وجود دارد که مقدار تعزیر کودک را در مورد جرائم دارای حد به مقدار کمتر از حد می‌داند. در صحیح‌های ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که حضرت فرمودند: در مورد کودکی که به سن ده سالگی نرسیده و با زنی زنا کرده فرمودند: «کودک به مقدار کمتر از حد شلاق می‌خورد» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۱، ۸۱). در روایت ابن بکیر از امام صادق (علیه السلام) می‌پرسد که کودکی که به سن بلوغ نرسیده و با زنی زنا می‌کند چه حکمی دارد؟ حضرت می‌فرماید: «کودک به مقدار کمتر از حد زده می‌شود». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۱، ۸۱)

این دسته از روایات مقدار تعزیر کودک را به اندازه کمتر از حد معرفی می‌کند. ولی در روایات دیگری ضرب کودک با تعبیر تأدیب آمده و تنها تا مقدار ده ضرب جایز دانسته شده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ۲۵۱ و ۳۷۳ و ۳۷۲؛ قمی، ۱۴۱۳: ۷۳) در این دسته از روایات بر عکس روایات قبلی که تا مقدار کمتر از حد، جواز ضرب داده شده بود، تنها تا مقدار محدودی مانند سه، پنج، شش و ده ضرب اجازه ضرب داده شده است. روشن است این روایات از مورد روایات قبلی که مربوط به تعزیر کودک و در مورد جرائم دارای حد بود انصراف داشته و عنوان آن با عنوان آنها فرق می‌کند. با توجه به تعبیری که در خود روایات وجود دارد می‌توان پی برد که روایتهای دسته اول مربوط به تعزیر است و روایات دسته دوم مربوط به تأدیب است. روایات مربوط به تأدیب را عموم فقها پذیرفته و بر طبق آنها فتوا داده‌اند از این رو حجیت آنها احراز می‌شود (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۳۲؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۵۳۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۵۴)

۱-۱-۶- مفهوم شناسی تربیت

۱-۱-۶-۱- معنای لغوی تربیت

تربیت در لغت از ماده «ربا» به معنی «زاد و نما» و افزایش یافتن، نمو کردن، گرفته شده است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۶۷۰-۶۷۱) در لسان العرب آمده است که: «ربا الشیء یربو ربوا و رباءای زاد و نما». (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۲۹)

همچنین تربیت از کلمه «رب» به معنی مالک، سید و مربی اشتقاق می‌یابد و این گونه معنی می‌شود: انجام وظیفه کردن به شیوه نیکو و پسندیده. «رب ولده و الصبی یربه ربا»؛ (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۴) یعنی کودک خود را، نیکو تربیت کرد و برای او به نحو شایسته انجام وظیفه نمود.

«تربیت» در زبان فارسی به معنای پروردن، آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن» به کار رفته است. واژه ترکیبی «تعلیم و تربیت» نیز به معنای «آموزش و پرورش» آمده است.

در زبان عربی واژه «التربیه»، مصدر باب تفعیل است، این واژه می‌تواند از «ربب» و «ربو» سرچشمه گرفته باشد. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۸۳)

ریشه «ربب» به معنای گوناگونی مانند: حضانة «در دامان خود پروردن»، (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۵۷) حفظ و مراعات و سرپرستی، (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۴۰۱) اصلاح و بر عهده گرفتن کاری و همراهی با آن، (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۸۲) ایجاد چیزی و به تدریج تکامل بخشیدن آن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۷۷) به کار رفته است. ابن فارس و ابن منظور یادآور می‌شوند که در مصدر باب تفعیل از ریشه «ربب»، برای آسانی در تلفظ باء دوم به تاء تبدیل شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۸۳؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ۴۰۲)

۱-۱-۶-۲- معنای اصطلاحی تربیت

متفکرین و دانشمندان علوم تربیتی برای تربیت تعریف‌های گوناگونی ارائه داده‌اند. به نظر می‌رسد دلیل اختلاف‌ها مبانی و یا اصول و اهداف تربیت از دیدگاه‌های آنان باشد. بنابراین باید تعریفی ارائه شود که جامع و مانع باشد.

با در نظر گرفتن معنی لغوی تربیت می‌توان معنای اصطلاحی تربیت را این گونه تعریف کرد: انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهاى نهفته اش را در تمام ابعاد وجودی خویش به طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب، به تدریج حرکت کند.

مقصود از تربیت کودک به طور خاص آن است که مربی، اعم از پدر، مادر، معلم و...، طفل را در بعد روحی و اخلاقی پرورش دهد، به گونه‌ای که جسم و جان و عقل او افزایش یابد و طوری انجام وظیفه نماید که آنچه به مصلحت اوست از امور مربوط به دین و دنیای وی، انجام پذیرد.

این معنی را می‌توان از بعضی آیات قرآن استناد کرد. مثلاً آن که می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء: ۱۷ و ۲۴)؛ یعنی برای پدر و مادر خویش از درگاه خداوند در زمان حیاتشان طلب رحمت و مغفرت کند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۴)

لفظ «رحمت» در آیه شریفه در برگزیده همه کارهای پسندیده مربوط به دین و دنیا است و شخص از پروردگار خویش درخواست می‌نماید آن گونه که پدر و مادر نسبت به کارهای پسندیده مرا تربیت

کرده و به من احسان نمودند، آنها را مشمول رحمت و مغفرت خویش قرار بده. (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۲۷)

از کلمه «ارحمهما» استفاده می‌شود که پدر و مادر بر اساس محبت، فرزندان خود را تربیت نمایند. همچنین از کلمه «ربیانی» استفاده می‌شود که انسان باید از مربیان خود تشکر و قدردانی کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷۱)

۱-۱-۶-۳- معنای تربیت در اصطلاح فقه و حقوق

در عبارات فقها و اصطلاح خاصی در تعریف تربیت نشد و مقصود آنها از این واژه همان معنی لغوی است، بدان جهت به زنی که طفل را شیر می‌دهد و او را نظافت و نگهداری و در جهت مصلحت او انجام می‌نماید «مربیه» می‌گویند. (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۳۱)

همچنین حضانت را نیز به معنی تربیت دانسته و در تعریف آن گفته‌اند: حضانت ولایت و اقتداری است برای تربیت نمودن طفل. (طباطبایی، ۱۴۱۸: ۱۴۴) برخی دیگر فایده حضانت را تربیت طفل دانسته‌اند.

در زمره کاربردهای واژه تربیت، به معنای فرایند تعامل میان مربی و متربی اشاره‌ای گذارا می‌کنیم. تعریف فرایند ارتباط میان مربی و متربی و تعیین قلمرو آن، چند اصطلاح دارد. با ملاحظه این اصطلاحات در همه آنها، «تغییر تدریجی» به عنوان مفهومی محوری مشاهده می‌شود:

۱- به تغییرات تدریجی ایجاد شده توسط عوامل انسانی بر گیاهان، حیوانات و انسان‌ها، تربیت گفته می‌شود. این اصطلاح، در برابر مفهوم «صنعت» قرار دارد که در عرصه جمادات است.

۲- به تغییرات تدریجی ایجاد شده توسط عوامل انسانی در حیوان و انسان تربیت گفته می‌شود که در برابر مفهوم «پرورش (تربیت) گل و گیاه» قرار دارد.

۳- به تغییرات تدریجی ایجاد شده توسط عامل انسانی در خود یا انسان دیگر تربیت گفته می‌شود. چنین معنایی، مفهوم تربیت را اعم از مفهوم تربیت در اعم از مفهوم تهذیب می‌کند که فقط به ایجاد تغییر در خود ناظر است.

۴- به تغییرات تدریجی ایجاد شده توسط عوامل انسانی، در تمامی ساحت‌های جسمی و روانی (ذهن، صفات و رفتار) انسان تربیت گفته می‌شود. واژه تربیت در این اصطلاح در برابر مفهوم تهذیب قرار می‌گیرد که عبارت است از: فرایند خودسازی و به دست آوردن فضایل و بر طرف کردن رذایل است.

۵- به تغییرات تدریجی ایجاد شده توسط عوامل انسانی، تنها در ساحت‌های ذهن، صفات و رفتار انسان دیگر تربیت گفته می‌شود و در برابر عبارت «تربیت بدنی» از آن بهره می‌گیرند.